

قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی

دکتر ژانت بلیک*

دکتر محمودرضا گلشن پژوه**

چکیده

مقاله حاضر تلاش دارد با تأکید بر یکی از ابزارهای دفاع و تهاجم هم‌زمان (قدرت نرم) - بدون آنکه وارد بحث‌های ماهوی تهدیدات نرم شود - به گوشه‌ای از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل اقتدار نرم نظام پرداخته، تلاش نماید تا نکات مثبت بهره‌برداری از این منبع عظیم قدرت ملی را هم در مقابله با تهدیدات نرم و هم در تحت تأثیر قرار دادن سایر جوامع هدف به شکلی آفندی مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. در حقیقت فرض اصلی این مقاله آن است که تمرکز بیش از اندازه بر مفهوم «تهدید نرم»، نظام جمهوری اسلامی را از منابع «قدرت نرم» خود، خصوصاً در حوزه فرهنگ و تمدن، غافل ساخته، ناخودآگاه ساختار و چارچوبه‌های سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های تدوینی را در قالب یک لاک دفاعی شکل می‌دهد.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، تهدید نرم، فرهنگ، تمدن ایرانی، اسلام.

Email: Blake.chrpd@gmail.com

Email: GolshanPazhooh@csr.ir

تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۲/۱۱

*. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

** دکتري روابط بين الملل

تاریخ ارسال: ۸۸/۱۲/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۵ / تابستان ۱۳۸۹ / صص ۱۳۷-۱۲۳

مقدمه

در سال‌های گذشته و به موازات افزایش مطالعه و پژوهش در حوزه امنیت ملی در کشورمان، مفهومی با عنوان «تهدید نرم»^۱ مورد توجه بسیاری از کارشناسان و سیاست‌ورزان عرصه امنیت و سیاست خارجی کشور قرار گرفته است. این مفهوم که در نقطه مقابل مفهوم شناخته شده «تهدید سخت‌افزاری و نظامی» طرح می‌شود، در یک تعریف موسع، هر آنچه را که جزو تهدید نظامی تعریف نشده است، در بر می‌گیرد. مؤلفه‌هایی همچون عملیات روانی، تهدیدهای رسانه‌ای، اختلاف‌افکنی‌های قومی و مذهبی، ایجاد و گسترش بی‌اعتمادی میان مردم و نظام و بسیاری موارد دیگر را می‌توان در این حوزه گنجانند. در حقیقت، با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب شود تا اهداف و ارزش‌های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین‌کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار می‌آید.

با این حال با مطالعه رفتار سیاست‌سازان و مجریان سیاست خارجی کشور به نظر می‌رسد به هنگام برنامه‌ریزی و تدبیر برای مقابله با تهدیدات نرم، بدون آنکه نگاهی نیز به جنبه‌های آفندی باشد، اغلب تمرکز بر نگاهی دفاعی است؛ بدین معنا که همواره و به هنگام صحبت از تهدیدات نرم، تلاش می‌شود تا با شناسایی حوزه‌ها و منافذ نفوذ تهدیدات نرم، خطرات بالفعل و بالقوه شناسایی شده، رهیافت‌های مناسب برای مقابله با آنها و ایجاد یک آرایش مناسب دفاعی تدوین گردد. این رویکرد، دو ایراد عمده دارد:

نخست اینکه ما همواره یک قدم از مهاجم و تهدیدکننده عقب هستیم. در حقیقت او مبتکر است و ما منفعل. او بی‌نهایت انتخاب دارد و ما منحصریم به روش‌های متناسب با امکانات خودمان برای مقابله با ابتکار وی. در این راستا به عنوان مثال، دشمن و یا رقیب می‌تواند با استفاده از تغییرات آنی و بسیار سریع در حوزه تکنولوژی، به شکلی مدام تهدیداتی را برای نظام ما ایجاد کرده و آن را آن قدر مشغول نماید که تمام توان و انرژی نظام متمرکز بر دفع تهدیدات متنوع و متغیر وارده از سوی وی شود.

دوم آنکه در این نگاه، به شکلی طبیعی فضای آفند و تهاجم متقابل از سوی «مدافع» نادیده گرفته می‌شود. در حقیقت ظرفیت‌های بسیاری با این رویکرد از بین رفته، امکان و حتی توان ابتکار عمل نیز از نظام گرفته می‌شود. هرچند در این میان خطر به دام نوعی دیگر از افراط افتادن نیز وجود دارد و آن تمایل عجولانه به سمت اتخاذ رهیافت‌های تهاجمی و یا حداقل مقابله به مثل با «مهاجم» در کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن است. امری که یقیناً نتیجه‌ای مؤثر به بار نیاورده، بیش از آنکه سبب توازن در معادله شود، آن را به ضرر کشور هدف بر هم خواهد زد.

۱- ویژگی‌های تهدید نرم

تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی گردد. تهدید نرم نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم‌افزارانه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر

بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند (نائینی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

با پذیرش این واقعیت که هدف در هر نوع تهدیدی، به تسلیم کشاندن حریف است و تفاوت‌ها تنها در به‌کارگیری ابزارهای مختلف می‌باشد، می‌توان وجوه زیر را به عنوان وجوه افتراق تهدیدات سخت و نرم برشمرد:

۱. حوزه تهدید نرم، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ در حالی که حوزه تهدید سخت، امنیتی و نظامی می‌باشد.
۲. تهدیدهای نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان و بنابراین اندازه‌گیری آن مشکل است؛ در حالی که تهدیدهای سخت، عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با برخی از معیارهای کمی اندازه‌گیری کرد.
۳. روش اعمال تهدیدهای سخت، استفاده از زور و اجبار است؛ در حالی که در تهدید نرم، از روش القاء و اقناع بهره‌گیری می‌شود.
۴. هدف در تهدیدهای سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است؛ در حالی که در تهدید نرم، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرآیند

۲- ویژگی‌های قدرت نرم^۲

قدرت نرم زمانی وارد عمل می‌شود که ما بتوانیم دیگران را قانع نماییم آنچه را ما می‌خواهیم، بخواهند؛ بدون آنکه در این راه از زور استفاده کنیم، پاداشی بدهیم یا آنان را اغوا کنیم. در این تعریف می‌توان نکات متعددی را در رفع ابهام از ماهیت قدرت نرم استخراج نمود:

نخست: قدرت نرم نه تنها با اجبار سروکار ندارد، بلکه ربطی به تطمیع نیز ندارد. در حقیقت، جنس قدرت نرم از دایره چماق و هویج بیرون است.

دوم: قدرت نرم، یک قدرت اقتناعی است نه اغوایی. یعنی اگر ما با تبلیغ یا وارونه نشان دادن موضوعی، بتوانیم دیگران را جذب خودمان کنیم، این امر را نمی‌توان در چارچوب اعمال قدرت نرم در نظر گرفت. جوزف نای، واضع و پیش‌برنده ایده قدرت نرم، معتقد است قدرت نرم بر قابل اعتماد بودن استوار است و تبلیغات، فاقد این عنصر است (گلشن پژوه، ۱۳۸۷، صص ۲۲ و ۲۵). بنابراین هرآنچه در آن اغوا، فریب و یا عملیات روانی به‌کار رفته باشد، از حوزه شمول قدرت نرم خارج خواهد شد. با این توصیف، اقداماتی همچون راه‌اندازی

تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است.

۵. مفهوم امنیت در رویکردهای نرم شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی می‌شود؛ در حالی که این مفهوم در رویکردهای سخت به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.

۶. تهدیدهای سخت، محسوس و همراه با برانگیختن واکنش است؛ در حالی که تهدیدهای نرم به دلیل ماهیت غیر عینی و غیر محسوس آن، اغلب فاقد عکس‌العمل است.

۷. مرجع امنیت در حوزه تهدیدهای سخت، به طور عمده دولت‌ها هستند؛ در حالی که مرجع امنیت در تهدیدهای نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است.

۸. کاربرد تهدید سخت در رویکرد امنیتی جدید عمدتاً مترادف با فروپاشی نظام‌های سیاسی-امنیتی مخالف یا معارض است؛ در حالی که کاربرد تهدید نرم در این رویکردها مترادف با فرهنگ‌سازی و نهادسازی در چارچوب اندیشه و الگوهای رفتاری نظام‌های مسلط جهانی تلقی می‌شود (نائینی، ۱۳۸۶، ص ۳).

عبارت‌اند از: هنر، آداب و رسوم، ادبیات، فولکلور، ویژگی‌های خاص ملی، ورزش، توانمندی اقتصادی، انسجام داخلی، کارآمدی دولت، اعتماد به نفس ملی، همبستگی ملی، جذابیت‌های ایدئولوژیک، جاذبه‌های طبیعی و گردشگری، و همچنین ارائه الگویی جذاب از نوع اداره کشور و حکومت در نگاه ناظران و افکار عمومی بین‌المللی.

به این فهرست می‌توان موارد دیگری را نیز اضافه نمود. در حقیقت، گستره شمول ابزارها و مؤلفه‌های قدرت نرم بسیار بالاست و در برخی از همین مؤلفه‌ها نیز، همانند هنر، می‌توان دنیایی نامتناهی را از ابزارهای اعمال قدرت نرم یافت که کاربرد هریک از آنان به ارتقای وجهه و قدرت نرم یک کشور منتهی خواهد شد.

۳- مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

جوزف نای به عنوان برجسته‌ترین نظریه‌پرداز در موضوع قدرت نرم، در مورد منابع این شکل از قدرت، سه محور را مورد اشاره قرار می‌دهد:

۱- فرهنگ (زمانی که در نگاه دیگران جذابیت داشته باشد)؛

۲- / ورزش‌ها (هنگامی که هیچ‌گونه ریایی در اجرای آنان به کار برده نشود)؛

انقلاب‌های مخملین و یا تدارک تهاجم فرهنگی، هرچند می‌توانند از تبعات ثانویه گسترش نفوذ اقتدار نرم یک کشور در کشور دیگر به حساب آیند، اما ذاتاً در طبقه‌بندی مؤلفه‌های قدرت نرم قرار نمی‌گیرند.

از سویی دیگر، در این طیف معنایی، «قدرت سخت» یا در کاربرد ابزارهای نظامی، اعمال زور، بازدارندگی، تهدید و ارعاب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند یا در اعمال قدرت اقتصادی، تحت فشار مالی گذاشتن، تحریم اقتصادی کردن و تشویق و تهدید اقتصادی. اما همان گونه که ذکر شد، «قدرت نرم» سرشتی دیگر دارد و خود را از راه جذابیت، برنامه‌ریزی فرهنگی، ترویج رشته‌ای از ارزش‌ها به میانجی‌گری رسانه‌ها، نهادهای مدنی و نیز دیپلماسی دو یا چندجانبه آشکار می‌کند.

حال با این تمایزات، می‌توان گستره ناب و خالص‌تری از قدرت نرم را متصور شد. در حقیقت، قدرت نرم واجد مؤلفه‌هایی است بسیار غنی‌تر و پایدارتر از اهداف و راهبردهای به‌کار رفته در عملیات روانی یا تبلیغات. قدرت نرم شامل عناصری ریشه‌دار، حقیقی و فاقد گذر زمان می‌شود که در متن فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد یک کشور یافت می‌شوند.^(۱) برخی از این مؤلفه‌ها

۳- سیاست خارجی (وقتی در چشم ناظران دارای مشروعیت باشد) (نای، ۱۳۸۷، ص ۵۱).

این سه وجه با توجه به مختصات تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک کشور می‌تواند تغییراتی را شامل شود. بنابراین به عنوان مثال در یک نگاه کلی می‌توان از منابع و ابزارهای زیر به عنوان منابع قدرت نرم با نشانگاه جمهوری اسلامی ایران نام برد:

(۱) مشروعیت سیاسی که خود شامل محورهایی همچون کارآمدی، مقبولیت و اعتماد ملی می‌باشد.

(۲) ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که چارچوبه‌هایی همچون تمدن کهن، تولید علم و هنر و همچنین ایدئولوژی تشیع را در بر می‌گیرد.

(۳) اعتبار و حسن شهرت که عمدتاً به وجهه و تصویر نظام در عرصه روابط بین‌الملل ارتباط می‌یابد.

(۴) انسجام سیاسی - اجتماعی که حول دو محور وحدت و وفاق ملی و همچنین اعتماد به نفس ملی قابل بررسی و تحلیل است.

نظام جمهوری اسلامی ایران در طول حیات ۳۰ ساله خویش، بسیاری از ابزارهای قدرت نرم یک تمدن عظیم ایرانی - اسلامی

را تعیین، تعریف (گاهی نیز بازتعریف) و مورد بهره‌برداری قرار داده است. در این فرصت، با توجه به مؤلفه ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، تمرکز را صرفاً بر عنصر فرهنگ قرار داده، توانمندی‌های بالقوه و بالفعل فرهنگ ایران را در راستای اقتدار نرم جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌نماییم. این انتخاب بیشتر از آن جهت است که متأسفانه بحث فرهنگ و تمدن ایرانی یکی از جنبه‌های مغفول اقتدار نرم کشور است که علی‌رغم اهمیت و مقبولیت بسیار در داخل و خارج، همچنین سود بالا در مقایسه با هزینه‌های پایین، بهره‌برداری از آن، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴- فرهنگ؛ عنصر شاخص

قدرت نرم ایران

ایران نام سرزمینی است که بیش از ۷۰۰۰ سال پابرجاست و دارای فرهنگ و تمدن شهرنشینی می‌باشد. در آن زمان در فلات ایران مردمی مسکن داشته‌اند که در تهیه حوائج اولیه زندگانی چون خوراک و پوشاک و پناهگاه پیشرفت‌هایی کرده و تجمعاتی داشته‌اند (قدیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). مردم و ملت ایران از آغاز تا کنون با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه شده‌اند. بارها مورد یورش بیگانگان قرار گرفته‌اند؛ ولی

مذهبی را شکل داده باشند. این حقیقت تاریخی نشان از اوج متانت و تساهل تمدن ایرانی دارد.

در خصوص تمدن ایرانی نیز کریستن سن معتقد است: «همه اقوام جهان برتری ایرانیان را اذعان داشته‌اند. خاصه در کمال دولت، تدابیر عالی جنگی، هنر رنگ‌آمیزی و تهیه طعام، ترکیب دارو، طرز پوشیدن جامه، تأسیسات ایالات، مراقبت در نهادن هر چیزی در جای خود، شعر، نطق و خطابه، قوت عقل، کمال پاکیزگی و درستکاری. در همه این مسائل، برتری ایرانیان بر اقوام جهان مسلم بود» (قدیانی، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

ب) ایران، مهد ادب، فرهنگ و هنر

ایران از دید ادبیات و سخن پروری یکی از برترین‌های گیتی است. رباعیات عمر خیام کتاب هزار و صد ساله شاهنامه فردوسی، اشعار عرفانی مولانا، دل‌نوشته‌های حافظ و سعیدی و رودکی و نظامی از برجسته‌ترین‌های ادبستان گیتی به‌شمار می‌آیند.

از سویی دیگر، معماری کهن ایرانی نیز بیش از پنج هزار سال پیشینه دارد و منبع الهامات بسیاری در معماری سایر نقاط جهان شده است. از معبد ۳۵۰۰ ساله زیگورات خوزستان تا نمایشگاه و کاخ هنر آسیا یعنی

شگفت آنکه هیچ یک از این حملات و کشورگشایی‌ها مایه سرنگونی هویت و تمدن ایران و ایرانی نگردید. یورش تورانیان، سکاها، اسکندر، رومیان، اعراب، مغولان، ترکان عثمانی، صدام حسین و ده‌ها یورش و حمله دیگر تنها بخشی از وقایع تاریخ ایران است؛ ولی هیچ‌یک از این نبردها (که ایران نه تنها در آنها مهاجم نبوده، بلکه صرفاً نقش دفاعی را ایفا می‌کرده است) باعث سقوط هویت و فرهنگ و تمدن ایرانی نشد؛ امری که در مصر به راحتی صورت گرفت و هزاران سال تمدن مصری به یکباره فرو ریخت.

به هر حال برخی عوامل شکل‌دهنده به این روند را که بیانگر اقتدار و ثبات تمدن ایرانی هستند، می‌توان به صورت محورهای زیر مورد بررسی قرار داد (پایگاه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۸۶):

الف) ایران، مهد تمدن و حقوق بشر

کوروش بزرگ نخستین پیام آور و صادرکننده منشور حقوق بشر جهان از ایران است. همچنین در جهان کمتر کشوری در طول تاریخ به چنین مقامی رسیده که زیستگاه اقوام مختلفی همچون ارمنیان، یهودیان، زرتشتیان و مسلمانان شیعه و سنی باشد که همگی هزاران سال است در کنار یکدیگر زیسته‌اند و کمترین درگیری‌های

شهر پارسه (تخت جمشید) به قدمت ۲۵۰۰ سال تا معبد ۳۰۰۰ ساله آذرگشسب آذربایجان و معبد ۲۱۰۰ ساله آناهیتای کرمانشاه و آثار برجسته بیستون ۲۵۰۰ ساله و ارگ ۲۰۰۰ ساله بزم و کاخ تیسفون مدائن یا طاق کسری در عراق امروزی همگان نشانه‌های روشنی از بالندگی تمدن ایرانی است. در حقیقت در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی ایران و ایرانی در عرصه بین‌الملل، ادیبان، ادبیات و آثار تاریخی این مرز و بوم هستند که با اندکی سرمایه‌گذاری و توجه، قابلیت بهره‌برداری به عنوان برگ‌های برنده در حوزه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشند.

ج) ایران، سرزمین صنایع دستی

برجسته و ارزشمند

صنایع دستی ایران، محملی برای میراث فرهنگی و هنری این مرز و بوم است که ریشه در اعتقادات مذهبی و باورهای قومی و نیز قوه ابتکار و خلاقیت استادکاران ایرانی داشته و توانایی آن برای رسوخ در تاریخ هنر جهان را به‌خوبی نشان می‌دهد. امروزه کمتر هنردوستی است که فرش و گلیم ایرانی یا یکی دیگر از صنایع دستی ایران را در خانه خود نداشته باشد و به آن افتخار نکند. در آثار هنری ایران، همواره یک تداوم فرهنگی اصیل در دوره‌های مختلف تاریخی

مشاهده شده است. در حقیقت شناسایی بیش از ۲۴ گروه بزرگ انواع صنایع دستی که شامل ۱۵۲ شاخه می‌شود (عباسی، ۱۳۸۸)، نشان از آن دارد که تمدن ایرانی یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌ها در حوزه صنایع دستی (که هنر و کاربرد را توأمأ داراست) می‌باشد که قابلیت بهره‌برداری از این ظرفیت، خصوصاً در فضای کنونی به‌شدت جهانی شده را بیش از پیش نشان می‌دهد.

د) ایران، مهد دانش، خرد و علم

بسیاری از پیشرفت‌های کنونی انسان مدرن، ناشی از مطالعات، بررسی‌ها، اختراعات و اکتشافات ایرانیان بوده است. شاید بتوان انقلاب‌های عظیم در حوزه‌هایی همانند نجوم، پزشکی، کشاورزی، صنایع دستی و ... را در بسیاری موارد به ایرانیان نسبت داد. خدمات بزرگ افرادی همچون بوعلی‌سینا، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، ابوجعفر محمد خوارزمی، فارابی و بسیاری دیگر از این مفاخر به بشریت، از جمله شواهد این ادعا می‌باشد.

ه) ایران، سرزمین ملتی وطن‌دوست

و بیگانه‌ستیز

تمدن ایران از زمان کهن تاکنون آمیخته با داستان‌های وطن‌پرستی و دلاوری فرزندان خود بوده است. ایران سرای تولد

متعالی نسبت به مسائل بنیادین هستی از قبیل آفرینش، مرگ، عالم برتر و غیره بوده‌اند. در حقیقت یافته‌های تاریخی نشان از آن دارد که فرهنگ ایران از روز نخست دین‌گرا بوده است و به همین جهت از مهم‌ترین و مؤثرترین فرهنگ‌های جهان در پیدایش ادیان بزرگ محسوب می‌شود. در حقیقت می‌توان گفت با ورود اسلام به ایران، روح تفکر زرتشتی با تفکر عرفانی اسلام در هم آمیخت و سرانجام این روح عرفانی - باستانی، زیبایی و انسجام خود را در دین و مذهب مردم این مرز و بوم متجلی ساخت. در شهرهای مختلف ایران مسیحیان، زرتشتیان، کلیمیان، یهودیان، شیعیان، سنی‌ها و به‌صورتی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زیسته‌اند. هیچگاه در فرهنگ ایرانی مردم برای همسان نبودن دینشان به روی یکدیگر شمشیر نکشیدند؛ هیچگاه نبردهای دینی در ایران رخ نداد و هزاران سال است که ده‌ها آئین و باور و مذهب مختلف در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند.

(ز) ایران، مهد هم‌زیستی اقوام متعدد

ایران سرزمین اقوام مختلف است. اقوام ایرانی با اینکه همگی آریایی و ایرانی هستند، ولی هرکدام از یک تیره و قومیت تشکیل

جوانانی است که هشت سال برای دفاع از کشور و وطن و دین راهی نبرد با رژیم صدام شدند و بیش از صدها هزار کشته دادند تا وجبی از خاک ایران مورد تجاوز بیگانه قرار نگیرد.

کنت دوگوبینو که سال‌های بسیاری در ایران مشغول پژوهش بود و کتاب‌های مشهوری درباره تاریخ و تمدن ایران نوشته است، درباره عشق به میهن در نزد ایرانیان چنین می‌گوید: به عقیده من ایرانیان از نوعی میهن‌پرستی جاودانه برخوردارند. یکدیگر را دوست می‌دارند و مهر و محبت در نزد آنان اهمیت بسیاری دارد. آنان کشور را در وجود خودشان می‌دانند و اگر کشورشان نباشد گویی پیکر خودشان نابود شده‌است. آنان هر حکومتی را بر خود دیده‌اند، ولی هیچ تغییری در فرهنگ و تمدن آنان مشاهده نشده است. ایرانیان شاهد بزرگ‌ترین تجاوزات تاریخ بوده‌اند، ولی با شگفتی تمام ملیت خود را حفظ کرده‌اند (گوبینو، ۱۳۶۴، ص ۱۵).

(و) ایران، مهد یکتاپرستی و خداباوری در جهان

ایران سرزمینی است که از زمان‌هایی بسیار دور، دارای دین و فرهنگ یکتاپرستی بوده و ایرانیان همواره دارای جهان‌بینی

شده‌اند و به شکلی بسیار زیبا هر کدام دارای موسیقی، صنایع دستی گوناگون، زبان محلی و آداب و رسوم جدا هستند که همگی در یک واژه به یکدیگر وصل می‌شوند و آن هم چیزی نیست به جز ریشه و تمدن و فرهنگ ایران زمین. زبان پارسی را همگی سخن می‌گویند و بر زبان محلی خودشان نیز در کنار زبان متحدکننده ملی پارسی احترام بسیار می‌گذارند. یک نکته زیبا در این خصوص، آنکه در نگاره‌های تخت جمشید سربازان پارسی و مادی کنار یکدیگر ایستاده‌اند و هیچکدام بر دیگری برتری ندارند. با این شواهد می‌توان ادعا نمود این احترام به قومیت‌ها در ایران ریشه تاریخی دارد.

ح) ایران سرزمین زنده کننده دین اسلام

ایران توانست روح و بزرگی و زیبایی و ظرافت اسلام را عیان نموده و آن را گسترش دهد. ایران تنها کشوری بود که ضمن حفظ آرایه‌های تمدنی خویش، کاملاً در اسلام نفوذ کرد و این دین الهی را با هنر و فرهنگ و تمدن هزاران ساله خود رنگ و جلای دیگر داد. انتخاب اصفهان به عنوان پایگاه هنر و فرهنگ جهان اسلام در سال ۲۰۰۶ نشان از قدرت و پایداری این درهم‌تنیدگی دارد.

نگاهی به سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، که از سوی شورای فرهنگ عمومی کشور منتشر شده، نشان از آن دارد که از هفت عنصر متشکله هویت ایرانی که در این سند مورد اشاره قرار گرفته، چهار مورد آن، یعنی روح معنویت، تعبد و توحید؛ اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل بیت؛ ولایت‌مداری؛ و همچنین مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایران، هویت اسلامی - دینی ساکنان ایران زمین را مورد تأکید و تأیید قرار می‌دهد (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶).

فرجام

به طور طبیعی در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد. در حقیقت در تعاریف کنونی، امنیت صرفاً با نبود تهدید تعریف نشده، بلکه با توان حفظ ثبات و همچنین توانمندی پیشبرد ایده و اندیشه خود تکمیل می‌شود و این دقیقاً مقطعی است که قدرت نرم وارد مباحث امنیت ملی می‌شود. میزان اقتدار و هژمونی سیاسی کشور در جامعه، میزان انسجام و همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ هویت و یکپارچگی ملی و میزان تولید و بازتولید هنجارهای سیاسی و به جریان انداختن

گفتمان‌های مسلط در درون جامعه و در عرصه جهانی و برخورداری از مقبولیت و مشروعیت لازم در صحنه بین‌الملل به واسطه برخورداری از ویژگی‌های ممتاز فرهنگی و تمدنی، از شاخص‌های قدرت نرم در این حوزه به شمار می‌آید. در صورتی که کشوری گرفتار بحران‌های سیاسی باشد، از قدرت نرم برخوردار نبوده، به طور طبیعی تهدید نرم در این حوزه مؤثر خواهد بود.

اگر مهم‌ترین بحران‌های سیاسی را شامل بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت بدانیم، هر یک از آنها شاخصه‌هایی دارند که می‌توان عناصر تهدیدزای آن را با توجه بیشتر به مؤلفه‌های قدرت نرم از میان برداشت. برانگیختن شکاف‌های قومی، نژادی، مذهبی و... نبود عوامل پیونددهنده هویت‌های فروملی، تحریف و تحقیر تاریخ و افتخارات ملی در کشور، می‌تواند به بحران هویت منجر شود. ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در جامعه بحران مشروعیت به وجود می‌آورد. انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز بحران مشارکت است. همچنین

توزیع نامناسب ثروت، شأن اجتماعی و امنیت در ایجاد بحران توزیع مؤثر است. تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب، تطمیع از مصادیق بحران نفوذ به شمار می‌آید. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند. به نظر می‌رسد هشت وجه تمدنی ذکر شده در حوزه فرهنگ ایرانی، به اشکال گوناگونی همچون ارتقای حس خودباوری ملی، افزایش اعتماد میان افراد، ارتقای فضای معنوی در جامعه، پر کردن شکاف‌های محتمل قومی، زبانی و یا مذهبی، افزایش غیرت و وطن‌پرستی و بسیاری موارد دیگر، خود به تنهایی توانایی رفع بسیاری از تهدیدهای ذکر شده در فوق در حوزه داخلی، همچنین شکل‌دهی به وجهه‌ای متعادل، مثبت، الهام‌بخش و جذاب از جمهوری اسلامی ایران را برای انتخاب شدن به عنوان یک الگو در عرصه بین‌المللی دارا می‌باشد. یقیناً اتخاذ سیاستی بر این مبنای اجرای آن از سوی کلیه نهادها و کارگزاری‌های مسئول در نظام، پویایی و قابلیت لازم برای شکل‌دهی و بهبود مسیر تحرک دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم

خواهد آورد. در این راستا می‌توان برخی از راهکارها را به شرح زیر پیشنهاد نمود:

الف) استفاده از نگاهی علمی برای بازسازی توان دیپلماسی عمومی کشور

جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که از طریق نهادها و ارگان‌های مختلف تلاش دارد تا پیام انقلاب را به گوش مخاطبان خود در اقصی نقاط جهان برساند. این مخاطبان که تعدادشان کم هم نیست، هر روزه آماج تبلیغات، سخنان و ایدئولوژی‌ها و مظاهر قدرت نرم دیگر رقبای جمهوری اسلامی نیز می‌باشند. به همین دلیل ایجاد یک روش و ساختار مناسب، که سه مؤلفه به روز بودن، انعطاف داشتن و جذابیت را با خود همراه داشته باشد، از مهم‌ترین و ضروری‌ترین پیش‌نیازهای یک دیپلماسی عمومی موفق و دارای مخاطب می‌باشد. توجه هشیارانه به مسائلی که در حال حاضر در فضای بین‌المللی دارای جذابیت بوده، در میان مردمان جهان نسبت به درک و هضم آنها تشنگی و اشتیاق وجود دارد، می‌تواند در این راستا راهگشا باشد. به عنوان مثال هرچند مدتی است که از تب و تاب ولع جوانان ایرانی به کتب پائولو کوئلیو کاسته شده (که البته آن هم بیشتر به دلیل کم‌کاری نویسنده است!) اما کارشناسان کتاب و کتابخوانی به

یاد دارند که تا چند سال قبل، ترجمه کتاب کیمیاگر پائولو کوئلیو لقب پرفروش‌ترین کتاب ایران را به خود اختصاص داده بود. آنچه جالب توجه است اینکه داستان این کتاب، حکایتی از قصه «قلعه ذات‌الصّور» در دفتر ششم مثنوی است (محمودی، سایت رسمی کوئلیو به زبان فارسی). این نشان می‌دهد که استفاده هوشمندانه از فرصت‌ها و همچنین آشنایی به نیازهای مخاطب (که در حال حاضر یکی از عمیق‌ترین آنها نیاز به استحکام ایمان و تکیه بر وجودی لایزال برای آرامش است) چگونه می‌تواند منبع عظیمی از قدرت نرم را برای یک فرد، جامعه و یا دولت (در اینجا برزیل و یا آمریکای لاتین در نگاهی وسیع‌تر به‌عنوان زادگاه کوئلیو) به ارمغان آورد.

ترکیه و مولانا مثال مناسب دیگری است. استفاده ترکیه از تمامی جنبه‌های جذاب شعر، منش و سلوک مولانا در سال‌های اخیر سبب شده که بیشتر مردم جهان این فخر ایرانیان را شاعری ترک بشناسند. دلیل این امر نیز برگزاری سمینارها و سخنرانی‌ها و شب شعرهای متعدد و با تجملات نبوده، بلکه استفاده هوشمندانه خصوصاً از دو روند رو به رشد جهانی بوده: نخست، جهانگردی و توریسم و

دوم، فضای اینترنت. ترک‌ها با هر توجیه و دلیلی ساکنان کشورهای دیگر را دعوت به دیدار از آرامگاه مولانا، مشاهده مراسم سماع و ... می‌کنند و در این میان به آرامی و به شکلی نرم، فرهنگ و تمدن خود را به رخ بازدیدکنندگان می‌کشانند؛ گویی خصوصاً اروپاییان لازم است بدانند کشوری که اکنون تصور می‌شود به التماس بر در دروازه‌های پذیرش اتحادیه اروپا ایستاده، چه روزهای پرفروغی را در امپراطوری عظیم خود داشته و چه نفایس و ذخیره‌های رشک‌برانگیزی را داراست که فناپذیرند. در همین راستا، هرآنچه با مولانا و رومی در اینترنت جستجو کنیم، ردی از ترکیه را در آن می‌یابیم، خصوصاً سایت‌های مبتنی بر فناوری «وب ۲» همانند یوتیوب که در آن‌ها ویدئوهای متعدد از مراسم سماع دراویش در خانقاه‌های ترکیه و همچنین سخنرانی‌های صوفیان بلندمرتبه ترک و رهپویان طریقت مولانا به زبان انگلیسی به راحتی قابل مشاهده هستند و نگاهی به میزان بازدیدکنندگان آنها نشان می‌دهد که تلاش برای بسط قدرت نرم ترکیه از طریق آن چیزهایی که برای دیگران جذاب است، فرآیندی کاملاً برنامه‌ریزی و حساب‌شده می‌باشد.

لازم به ذکر نیست که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، ظرفیت‌های بالایی دارد که هرچه زمان می‌گذرد، امکان استفاده از بخشی از آن، به دلیل رقابت و پیش‌دستی دیگران از میان می‌رود.^(۳)

ب) افزایش مؤلفه‌های خودباوری در میان مردم

حضور اعتماد به نفس حقیقی، یکی از بارزترین عناصر موثر در قدرت نرم یک کشور است. در حقیقت مفتخر بودن جامعه یک کشور به سنن، تاریخ، حال و امید به آینده خود، نشان از یکی از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم دارد. منشأ این اعتماد به نفس را می‌توان در منابع بسیاری جستجو نمود. افتخار به آیین و مذهب، رضایت از زندگی در جامعه خودی، ارجحیت دادن فکر و کالای کشور خود به دیگر کشورها، آمادگی برای هزینه دادن در راستای استقلال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی خود، و بسیاری موارد دیگر از جمله این منابع می‌باشند. افزایش مؤلفه‌های خودباوری در کنار تأثیرات داخلی و ایجاد استحکام درونی، جلوه‌های جذاب و عمیقی نیز در ارتباطات خارجی یک کشور بازی می‌کند. در حقیقت، اعتماد به نفس یکی از جذابیت‌هایی است که در نگاه ناظران خارجی به افراد، جامعه و ساختار یک کشور اهمیت ویژه‌ای دارد. نگاه مثبت مردم جهان به شیوه

و امکانات زندگی در کشورهای اسکاندیناوی، غرور تکنولوژیک ژاپنی‌ها، تلاش دولت و ملت کره جنوبی برای تاریخ‌سازی و کهن نشان دادن آن سرزمین پس از تسخیر بسیاری از بازارهای جهانی در حوزه تکنولوژی، همگی از مثال‌های این امر بشمار می‌آیند. باید پذیرفت که در این راستا، کم‌کاری‌های بسیاری در حوزه‌های دولتی ما وجود داشته و علی‌رغم اعلام صریح و دائم این امر که ایرانیان از بزرگ‌ترین و بهترین ملل جهان هستند، اما تبلور آن را در زندگی روزمره خود ایرانیان نمی‌توان مشاهده نمود. کافی است نگاهی به لوازم مصرفی و همچنین تفکرات روزانه خود بیندازیم تا ببینیم سهم واقعی هنر و فرهنگ و صنعت ایرانی در روزانه‌های ما تا چه اندازه می‌باشد.

ج) تعیین قاطعانه خطوط قرمز در فرهنگ و تمدن جهت استفاده بهینه از ظرفیت‌های آنها

یکی از مشکلات کنونی در تعیین و اجرای سیاست‌های فرهنگی، مشخص نبودن گستره قابل استناد و همچنین تعریف یکسان یا حداقل نزدیک کارشناسان و مسئولان از موضوعات فرهنگی است. این امر خصوصاً در زمانی بیشتر خود را نشان می‌دهد که جنبه‌های تمدن کهن ایرانی در تقابل با جنبه‌های اسلامیت کشور مفروض می‌شوند. تأثیر این فرض دوگانگی و تقابل می‌تواند

کاملاً خود را هم در شاخص‌های هویت‌ساز مردم و هم در تدوین سیاست‌های کارآمد در فضای بین‌المللی از سوی نظام جمهوری اسلامی نشان دهد. نکته قابل توجه آن است که تاریخ کهن ایرانی که مملو از یکتاپرستی، هم‌ترازی دین و دنیا، ظلم‌ستیزی و بسیاری خصایل نیک دیگر بوده، بسیار به اسلام راستین شباهت دارد. این امر خود نشان می‌دهد که حداقل در پایه و مبانی تعارضی میان دو مفهوم مذکور وجود نداشته، بیش از هر چیز می‌بایست برای نزدیک‌ساختن تفاسیر و قرائت‌های مختلف تلاش نمود.

در حقیقت می‌توان با این تفصیلات، پی برد که ظرفیت و توان تأثیرگذاری آرایه‌های متفاوت و متعدد تمدن ایران بر قدرت نرم کنونی نظام جمهوری اسلامی، چیزی فراتر از حد تصور است. در دنیای کنونی، به‌دلیل رشد سریع ابزارهای ارتباطی و پیشرفت لحظه‌به‌لحظه فناوری‌های مختلف، هرچند فواصل انسان‌ها با یکدیگر کمتر شده و بیان می‌شود که جهانی‌شدن فرهنگ‌ها در حال رخ دادن است و انسان‌ها در نهایت دارای یک فرهنگ خواهند بود؛ اما به‌نظر می‌رسد به موازات همین روند، تحرک دیگری نیز در حال بالندگی است و آن شناخت بهتر و عمیق‌تر زیبایی‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و ارائه بی‌واسطه آن در انظار افکار عمومی جهانیان می‌باشد. اکنون راه شناخت

منابع

۱. پایگاه تاریخ و فرهنگ ایران، (۱۳۸۶)، *تقدس سرزمین کهن ایران به روایت اسناد تاریخی و سخن بزرگان*، بازیابی شده در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۸۸
http://www.ariarman.com/Iran_culture_civilization.htm
۲. شورای فرهنگ عمومی، (۱۳۸۶)، *سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان*، بازیابی شده در تاریخ ۸ آذر ۱۳۸۸، شورای فرهنگ عمومی
<http://www.eccc.ir/Desision/1386/871227100622.jsp>
۳. عباسی، بهزاد (۱۳۸۸)، *معرفی رشته صنایع دستی*، بازیابی شده در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۸۸، کنکور طراحان کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاه.
<http://tarahan1.mihanblog.com/post/302>
۴. قدیانی، عباس، (۱۳۸۶)، *درآمدی بر تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی در جهان*، تهران: فرهنگ مکتوب.
۵. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم/افزاری جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. گوینو، کنت (۱۳۶۴)، *تاریخ ایرانیان*، ترجمه ابوتراب خواجه نوریان، تهران: علمی.
۷. نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.
۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۶)، «تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها»، *فصلنامه عملیات روانی*، ش ۱۶.
۹. نائینی، علی محمد (۱۳۸۸)، «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ش ۲۵.

تمدن‌های کهن و خصوصاً مقایسه حکمت‌های متعالی نهفته در روح آنها با فلسفه و تمدن کنونی رایج در غرب فراهم آمده و حتی مشاهده می‌شود که در خود غرب نیز فرهنگ‌های معنوی‌گرای شرق رسوخ نامحدودی را شروع کرده‌اند. در این فضا، تمدن شکوهمند، با اقتدار، معناگرا، توحیدی و خوش‌نام ایرانی امکان و توان بسیاری برای مطرح شدن دارد و یقیناً مدیریت هوشمندانه و جسورانه این امر توسط نظام، در نهایت قدرت نرم بی‌بدیلی را برای ایران اسلامی فراهم خواهد نمود.

پانوشتها

- ۱- هرچند برخی معتقدند قدرت نرم بیشتر وجهه‌های فرهنگی دارد، اما جذابیت‌های اقتصادی و توانمندی‌های سیاست داخلی و خارجی یک کشور نیز در این راستا از قابلیت‌های مهمی برخوردارند و لذا نمی‌توان قدرت نرم را منحصر به مؤلفه‌های فرهنگی نمود.
- ۲- یقیناً این امر به معنای تلاش برای مصادره مولانا و دشمنی با هرآنکه او را ایرانی نمی‌نامد، نیست، چراکه یکی از علل پایداری مولانا بعد از هشتصد سال، اندیشه جهانگرایی و ضد نژادی وی بوده است. تأکید فوق تنها جهت تلاش برای بهره بردن از ظرفیت‌های عظیم اقتدار نرمی است که می‌توان از شاعری با آوازه و جذابیت مولانا برد.